

در تاریخ بیست و پنجم دی ماه (۱۳۵۹) ما عملیات بسیار سنگین نوسود را با توکل بر خدا انجام دادیم. این عملیات بزرگ با «هلی برن» نیروهایمان بر روی ارتفاعات حساس ویلته و نیز ارتفاعات مشرف بر روستای نیرمی به سمت ارتفاعات «نوسود» آغاز شد، در جریان این عملیات بسیار سنگین، روستاهای هیرمی، کومه دره، نیسانه، مهری و پاسگاه شیخان در مقابل نوسود پاکسازی و آزاد شد. البته در این عملیات که با هماهنگی کامل ارتش، سپاه و افراد بسیج، در زیر بارش برف که گاه ارتفاع آن به ۷ متر می رسید، تعدادی از برادران ارتشی و سپاهی ما شهید شدند و هم چنین پس از این عملیات موفقیت آمیز، روستاهای شهرکن، درال و دارنال نیز در تاریخ سی ام دی ماه ۱۳۵۹ پاکسازی شدند. پس از آن که عملیات شیخان صورت گرفت، عناصر خود فروخته ی حزب دموکرات که در رأس گروه های شناسایی دشمن بودند، از ایران فرار می کنند و به خاک عراق می روند و به بعضی ها می گویند که نیروهای دولت ایران در حال وارد شدن به نوسود هستند. به همین ترتیب آن ها توانستند یک گردان تابع سپاه یکم نیروی زمینی ارتش عراق را به نوسود بیاورند.

این گردان پس از چهار روز ورود به خاک ایران، به آن جبهه هایی که فتح کرده بودیم حمله کرد و البته به خواست خدا شکست فاحشی هم خورد و بسیاری از وسایل و تجهیزاتش هم در منطقه جا ماند. باید بگویم که این اولین عملیات ما در مرز با عراق بود، روستاهای آزاد شده در این عملیات، قبل از آزادسازی آن ها، در تصرف عناصر خود فروخته دموکرات بودند. موقعی که ما به شیخان نزدیک شدیم، نیروهای ارتش عراق وارد نوسود شدند. نیروهای عراقی در پاسگاه مرزی نوسود، خود نوسود، مناطق اطراف آن، به ویژه تپه ی تانک وارد شده بودند. عراقی ها نیروهای بسیاری را در همان زمانی که در آن محور، ما دست به عملیات زده بودیم مستقر کرده بودند. پس از خاتمه ی این عملیات بلافاصله در شرایطی که در داخل نوسود تثبیت شده بودند، ما آن ها را دور زدیم و بعد از عملیات نری در فروردین ماه ۱۳۶۰، در یک شب بسیار سرد و برفی، عملیات بسیار سنگینی داشتیم که طی آن موفق شدیم ارتفاعات «کمانچیر» دکل نودشه و ارتفاع بالای نودشه که از نظر سوق الجیشی بسیار حساس بود را از تصرف مزدوران دموکرات نجات دهیم و به یاری خدا در روز چهارم فروردین ۱۳۶۰ در بالای نودشه مستقر شدیم.



● بیست ماه در سپاه پاوه

به هر حال پس از این که در عملیات مان از حمایت فرمانده کل قوای وقت؛ آقای بنی صدر ناامید شدیم، خودمان را برای یک حمله ی وسیع به طرف نوسود آماده کردیم. در همان اولین حمله ای که انجام دادیم، حزب دموکرات از عراق کمک خواست و سه فروند میگ عراق نیروهای ما را در مسیر خط بمباران کردند. یکی دو نفر از پاسدارانمان بر اثر این بمباران از وسط به دو نیم شده و شهید شدند و به این ترتیب ما مجبور به عقب نشینی شدیم. همین مسأله خودش هماهنگی کامل بین دموکرات ها و رژیم بعث عراق را به طور کامل و به وضوح نشان می داد. بعد از آن

همت خود در توصیف دوران مرارت بار و پرحادثه ی حذف فصل مهر ۱۳۵۹ تا پایان شهریور ۱۳۶۰ در محور عملیاتی پاوه و مشقات جنگ در دو جبهه ی مقابل با ارتش عراق و ضد انقلابیون مسلح، گفته است:

«... ظرف یک سال، ما در سپاه پاوه شصت و هشت نفر شهید، تنها از پاسداران عزیز بومی داشتیم. بچه های رشیدی که بدون توجه به زخارف دنیا مردانه جنگیدند و مظلومانه به شهادت رسیدند.